پاسخ الف) بلا اشکال بودن کثرت خطا در اصول عملیه

اصل اینکه در کلاس فقه آیا به این صورت هست یا نیست را بحث می‌کنیم؛ اگر اماره ای غالب الخطأ بود دیگر کنار می‌رود؟ یا موضوعیت پیدا می‌کند؟ ذهن شما که با مسائل فقهی آشنا است چه می‌گوید؟ بله، این را نمی‌توانیم انکار کنیم که اماره از حیثی که اماره است –یعنی ذو الطریقی دارد که این اماره بر آن است- درجایی‌که اماره می‌خواهد طریق به ذو الامارة باشد، اگر دائم الخطأ باشد، دیگر چه اماره‌ای است؟! اگر دائم الخطأ باشد چه اماره عقلائی‌های است؟! اینکه اماره نشد. تا اینجا قبول است.

اما صبحت سر این است که ما در اینجا دو مسأله مهم داریم. یکی اینکه گاهی است که سر و کار ما با اماره بما هی اماره نیست. بلکه سر و کار ما با اصل عقلائی است. محوریت اصل عقلائی که برای احراز ذو الامارة نیست. محوریت اصول عقلائیه برای نظم است. برای رفع تحیر است. برای این است که عقلاء مدام به مشکل بر نخورند. مثل استصحابی که در بحث ما گذشت؛ می‌گویید استصحاب اماره ای اصل محرز است؟ یا حتی اصلاً در ریخت استصحاب می‌تواند احراز هم نباشد و صرفاً برای بناگذاری عقلائی برای نظم باشد؟

خب اگر ما دیدیم که یک چیزی داریم، فرض هم گرفتیم که ادله اثباتی می‌گوید شارع مقدس این اصل عقلائی را برای متشرعه اعمال کرده است، شما می‌گویید نمی‌شود که این اصل غالب الخطأ باشد. خطا برای پیکان اماره نسبت به ذو الامارة است. اما وقتی غرض از انشاء و القاء آن، اصل عقلائیه باشد نه امارات آن، کاری با خطا ندارید. شبیه آن در ارتکازات اصالة الطهارة است. سالها همه آن را شنیده‌اید؛ «کل شیء لک طاهر». ذهن شما به‌عنوان اصل سراغ این می‌رود که شاید غالباً نجس باشد، من چقدر مبتلا به نجس می‌شوم! درحالی‌که اصلاً کاری به غلبه و عدم آن کاری ندارید. چرا؟ چون ریخت اصالة الطهارة احراز طهارت نیست. «کل شیء لک طاهر» نمی‌خواهد بگوید طاهر است، بلکه می‌خواهد بگوید که بگو طاهر است. این «بگو» یعنی کارت در برود، به مشکل نخوری و برایت آسان باشد.

این نکته اول بود؛ وقتی می‌پذیریم اگر اماره غالب الخطأ باشد دیگر اماره نیست که غرض از القاء بین متشرعه و مکلفین، احرازیت آن باشد. اگر در مقامی چیزی داشتیم که از سنخ اصول بود و غرض از آن به‌غیرازاحراز چیز دیگری بود، ما خیلی مشکلی نداریم.

بازبینی #1
ایجاد شده 12 مه 2026 14:08:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 مه 2026 14:10:15 توسط ... .